گفت‌وگوی «جوان» با جانباز عباسعلی سعیدی‌پور پیرامون خاطرات حضور در جنوب شرق کشور و همرزمی با سردار شهید علی معمار

می‌گفت جای من در کنار مردم محروم سیستان‌وبلوچستان است

شهید معمار در مرکز تصویر، مقطع حضور در زاهدان

■ علیرضا محمدی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از استان‌های مرزی کشورمان دستخوش آشوب‌ها و ناآرامی‌هایی شدند. غائله گنبد در شمال کشور، خلق عرب در جنوب غرب (خوزستان) و بحث اغتشاشات کردستان از شمال غربی گرفته تا مرزهای استان ایلام از معروف‌ترین این آشوب‌ها هستند، اما شاید کمتر بدانیم که استان سیستان‌وبلوچستان به جهت وسعت و همچنین تردد قاچاقچی‌ها و ضدانقلاب در مرزهای وسیعی که این استان با پاکستان و افغانستان دارد از نقاط بسیار ملتهب در آن مطقع زمانی بوده است. به طوری که عنوان می‌شد سیستان‌وبلوچستان تنگه احد انقلاب است و نباید از آنجا غافل شویم. چندی پیش در گفت‌وگویی که با جانباز عباسعلی سعیدی‌پور درباره خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی داشتیم، اشاره کوتاهی هم به اوضاع جنوب شرق کشور شد. در گفت‌وگوی پیش‌رو به طور مفصل به اوضاع سیستان‌وبلوچستان در دوران دفاع مقدس و همین‌طور نقش سردار شهید علی معمار حسن آبادی در این استان آشوب‌زده پرداختیم.

چه سالی به جنوب شرق کشور رفتید، دلیل حضورتان چه بود؟

من سال ۶۲ بعد از اینکه آموزش نظامی برای ورود به سپاه را پشت‌سر گذاشتم، عازم سیستان‌وبلوچستان شدم. این استان از زمان پیروزی انقلاب اسلامی دستخوش ناآرامی‌های بسیاری شده بود. حتی در تاریخ انقلاب آمده است که قبل از شروع جنگ تحمیلی، بعثی‌ها علاوه بر دخالت‌هایی که در کردستانات و استان خوزستان داشتند، نقشی هم در برهم زدن اوضاع سیستان‌وبلوچستان داشتند. ما از اوایل انقلاب به این استان اعزام نیرو داشتیم. از بحث قاچاقچی‌ها گرفته تا بعضی از تمایلات جدایی‌طلبانه و اشرار مسلح و... سیستان‌وبلوچستان واقعاً نیاز به تقویت نیرو داشت. به همین خاطر آن زمان اعلام کردند که سیستان تنگه احد است و نباید از آنجا غافل شویم تا مبادا دشمن از این تنگه عبور کند و ماجرای جنگ احد یکبار دیگر برای نظام اسلامی تکرار شود.

سیستان‌وبلوچستان اولین جبهه‌ای بود که در آن حضور داشتید؟

خیر. من از اوایل سال ۶۱ زمانی که ۱۶ ساله بودم به جبهه‌های دفاع مقدس اعزام شدم. در مراحل پایانی عملیات فتح‌المبین هم شرکت داشتم. بعد از مدتی به خانه برگشتم و مجدداً برای الی‌بیت‌المقدس یا همان آزادسازی خرمشهر راهی جبهه شدم. در همین عملیات الی‌بیت‌المقدس مجروح شدم. بعد مجدد رخت رزم به تن کردم و به جبهه رفتم. مدتی که گذشت، تصمیم گرفتم به سپاه ورود کنم. آموزشی رفتم و همانجا شنیدم که می‌گفتند سیستان‌وبلوچستان نیاز به نیرو دارد. لذا تصمیم گرفتم بعد از دوران آموزشی به آنجا بروم. یادم است روز اعزام به جنوب شرق کشور تنها بودم. به جبهه که اعزام می‌شدیم غالباً با یک گروه از دوستان یا در قالب اعزام چندین نفری می‌رفتیم، ولی اینجا تنها به زاهدان رفتم و آنجا مشخص شد که باید به ایرانشهر بروم.

اوضاع جنوب شرق کشور چطور بود؟

تقریباً شباهت‌های زیادی بین سیستان‌وبلوچستان و کردستانات می‌دیدیم. در هر دوی این مناطق، ضدانقلاب و اشرار سعی در ایجاد ناامنی داشتند. حتماً شنیده‌اید که در کردستان تأمین امنیت راه‌ها از اصلی‌ترین معضلات بچه‌های رزمنده بود. در اینجا هم همین شرایط حکمفرما بود. مثلاً راه بین پیرانشهر به سردشت را تصور کنید، آنجا چقدر شهید دادیم تا این مسیر امن شود. در سیستان‌وبلوچستان هم مسیر بین ایرانشهر تا چابهار که یک شهری بندری با اهمیت اقتصادی بسیار بالاست، چنین وضعیتی داشت و برای تأمین امنیت آن ابتدا گروه هایی از رزمندگان وارد عمل شدند و نهایتاً تصمیم گرفته شد تا یک تیپ با عنوان تیپ سلمان ایجاد شود. این تیپ مقرش در ایرانشهر بود، من هم در مقطعی رزمنده این تیپ شدم. تیپ سلمان مسئول تأمین امنیت منطقه را برعهده داشت.

تیپ سلمان مستقل بود؟

در اصطلاح نظامی این تیپ مستقل بود، یعنی در قالب یک لشکر نبود، اما نهایتاً جنوب شرق کشور و استان‌هایی مثل سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان زیر نظر سپاه ناحیه شش کشوری کرمان قرار داشت. از همین طریق ما با بچه‌های لشکر ۴۱ ثارالله که فرماندهی‌اش را حاج قاسم برعهده داشت، همکاری می‌کردیم. در بسیاری از گشت‌زنی‌ها (این گشت‌زنی‌ها یک کار زمان‌بر و سنگین و پرخطری بود) بچه‌های تیپ سلمان و لشکر ۴۱ ثارالله با هم شرکت داشتند.

> معمولاً یک کاروان طویل از خودروهای رزمندگان که داخل هر کدام از این تویوتاها شش رزمنده وجود داشت، در قالب یک اردو یا کاروان راهی مناطق مختلف می‌شدیم. اردوکشی و گشت‌زنی ما هر بار حدود ۲۵ الی یک ماه طول می‌کشید

شکل و شمایل این اردوکشی‌ها چطور بود؟

معمولاً یک کاروان طویل از خودروهای رزمندگان که داخل هر کدام از این تویوتاها شش رزمنده وجود داشت، در قالب یک اردو یا کاروان راهی مناطق مختلف می‌شدیم. اردوکشی و گشت‌زنی ما هر بار حدود ۲۵ الی یک ماه طول می‌کشید. چون علاوه بر وسعت، منطقه بسیار ناامن بود و باید هرجا که می‌رفتیم، امنیت را ایجاد و تثبیت می‌کردیم. نکته بارز در این اردوکشی‌ها این بود ما هر جا که می‌رفتیم، باعث وحشت زیاد اشرار و قاچاقچی‌ها می‌شدیم، اما در طرف مقابل، مردم بسیار با روی باز از ما استقبال می‌کردند. خب اینها مردم عادی بودند که خود و خانواده‌های‌شان در معرض تهدید اشرار و ناامنی قرار داشتند، ولی وجود رزمندگان به آنها آرامش می‌داد.

در کردستان رزمنده‌ها علاوه بر مبارزه با ضدانقلاب، نسبت به معیشت مردم هم توجه داشتند، در سیستان‌وبلوچستان هم چنین کارهایی انجام می‌شد؟

اصلاً بچه‌های انقلاب چون با نیت‌های پاکشان راهی جهاد می‌شدند، هر کاری که خداپسندانه بود را انجام می‌دادند. در کردستان ما سردارهای بزرگی مثل حاج احمد متوسلیان، شهید همت، خرازی و... داشتیم که به وقتش در محرومیت‌زدایی هم ورود می‌کردند. همین موضوع باعث محبوبیت بسیار زیاد آنها در بین مردم بومی منطقه می‌شد. در سیستان‌وبلوچستان هم ما سردارهای گمنامی داریم که بسیار بین مردم محبوبیت داشتند. سردار شهید علی معمار حسن‌آبادی یکی از همین سرداران گمنام این خطه از کشورمان است.

آشنایی‌تان با شهید معمار به همان مقطع حضور در سیستان‌وبلوچستان برمی‌گردد؟

شهید معمار همشهری ما بود. بچه روستای حسن‌آباد از توابع کاشان، اما بیشتر ارتباطم با او به همان مقطع حضور در سپاه ایرانشهر مربوط می‌شود. ما مدتی آنجا با هم بودیم تا اینکه من را به سپاه نیکشهر اعزام کردند و علی‌آقا هم به تیپ سلمان رفت. ایشان در عملیات تیپ به مناطق مختلف و میان مردم می‌رفت. اخلاق و رفتار ایشان بین مردم زبانزد شده بود.

ایشان از رزمندگان با سابقه جنوب شرق کشور بودند؟

بله. شهید معمار چند سالی در این منطقه برای امنیت مردم و منطقه خدمت کرد. دشمنان خیلی از ایشان حساب می‌بردند. این مرد خدا خاری بود در چشم دشمنان. آنان چندین بار اقدام به ترور ایشان کرده بودند، اما به لطف خدا موفق نشدند. شهید معمار هم به جهت تأمین امنیت و هم به جهت کارهای خیری که برای مردم منطقه انجام می‌داد، بسیار محبوب بود.

چه خاطراتی از حضور در کنار شهید معمار دارید؟

یادم است یک‌بار با هم از ایرانشهر به سپاه نیکشهر می‌رفتیم. در آن مقطع ایشان فرمانده سپاه نیکشهر شده بود. در مسیر به هر روستا که می‌رسیدیم قبل از رسیدن ما به مقصد، افراد مستمند منتظر آمدن وسیله نقلیه بودند تا کمک بگیرند. وقتی علی‌آقا آنها را می‌دید به آنها کمک مالی می‌کرد و آنها نیز ایشان را دعا می‌کردند. با توجه به اینکه علی‌آقا مشکلاتی داشت، یک سالی به تیپ سوم عاشورا از لشکر ۱۴ امام حسین(ع) رفت و در قسمت بازرسی مشغول شد. آن دوران در منطقه جنوب شرق کشور امنیت تا حدی برقرار شده بود. من هم مجدد به جبهه‌های دفاع مقدس رفته بودم. خلاصه یک روز که تازه از مأموریت جبهه برگشته بودم، ایشان را دیدم و خیلی خوشحال شدم. با هم احوالپرسی کردیم و گفتم چه عجب برادر! سیستان کجا اینجا کجا؟ گفت عباس جان داستانش زیاد است، برایت سر فرصت تعریف می‌کنم. مشخص بود که خیلی از بودن در کاشان راضی نیست.

> در یک مقطعی فرمانده سپاه نیکشهر شده بود. در مسیر به هر روستا که می‌رسیدیم قبل از رسیدن ما به مقصد، افراد مستمند منتظر آمدن وسیله نقلیه بودند تا کمک بگیرند. وقتی علی آقا آنها را می‌دید به آنها کمک مالی می‌کرد

علت رضایت نداشتن‌شان چه بود؟

دوست داشت به سیستان‌وبلوچستان برگردد و آنجا خدمت کند. من آن روز واقعاً از دیدنش خیلی خوشحال شدم چون چند سال بود که از هم دور شده بودیم. یک روز دیگر علی آقا را دیدم و گفتم علی‌جان برویم و با هم صحبت کنیم. از اوضاع منطقه پرسیدم، گفت سر بسته بگویم عباس‌جان! هرچه فکر می‌کنم می‌بینم اینجا جای من نیست. من باید به منطقه سیستان‌وبلوچستان بروم و به مردم محروم آنجا کمک کنم. روح من در آنجاست و اینجا برای من مثل زندان است.

کم‌کم کارهایم را جمع و جور می‌کنم که از اینجا بروم. رفت و بعد از چند ماهی که مستقر شد، در یک مأموریت از سوی اشرار منطقه محاصره شد و به شهادت رسید. این را هم اضافه کنم که شهید معمار در چند عملیاتی که شرکت کرده بود، چند تن از فرمانده‌هان اشرار را به هلاکت رسانده بود. لذا آنها تصمیم به کشتن ایشان گرفته بودند. شهید معمار سال‌ها بعد از جنگ نیز در سیستان‌وبلوچستان ماند و خدمت کرد. نهایتاً اشرار بعد از چندبار که موفق به ترور او نشدند، نهایتاً در یک درگیری ایشان را محاصره و در دهم دی ۱۳۷۳ به شهادت رساندند.

سعیدی‌پور نفر اول از راست

وادی کتاب

نگاهی به کتاب «درهم شکستن دژهای دفاعی بصره (کربلای ۵)»

عبور از ۴ خط دفاعی ارتش بعث عراق

■ غلامحسین بهبودی

کتاب «درهم شکستن دژهای دفاعی بصره» در برگیرنده مطالب جالبی در خصوص عملیات کربلای ۵ است. این عملیات از ۱۹ دی‌ماه تا دوم اسفند ۶۵ به مدت بیش از دو ماه انجام گرفت و طی آن شهدای بسیاری تقدیم شد. با هم نگاهی به داشته‌های کتاب می‌اندازیم.

■ **رفع ابهامات**

کربلای ۴ تازه تمام شده و قرار بر انجام عملیاتی دیگر بود، اما ابهام‌هایی در خصوص میزان هوشیاری دشمن، مشکلات و پیچیدگی‌های زمین منطقه و دشواری‌های شکستن خط دشمن و پاکسازی منطقه و... وجود داشت، اما آنطور که در کتاب درهم شکستن دژهای دفاعی بصره آمده است طی یک «جلسه پنج ساعته» اجرای عملیات کربلای ۵ قطعی می‌شود. این کتاب محصول مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است و طبق آنچه از سوابق این مرکز سراغ داریم، بیشتر به سخنان فرماندهان وقت که در زمان جلسه ضبط شده است، استناد می‌شود. بنابراین در این کتاب نیز نقل قول‌های بسیاری از فرماندهان وجود دارد. در بخشی از کتاب از قول سردار محسن رضایی در خصوص لزوم انجام عملیات کربلای ۵ آن هم صرفاً دو هفته بعد از کربلای ۴ می‌خوانیم: «تنها راه‌حلی که برادران باید در نظر داشته باشند، این است که با یک روحیه ایثارگرانه، هم صداقت‌مان را به امام نشان بدهیم و ان‌شاءالله به خداوند متعال ثابت کنیم که ما واقعاً برای آخرتمان می‌جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگر...»

■ **امکان فاش‌شدن عملیات**

این کتاب بر آن است تا یک توضیح و شرح کلی را از عملیات کربلای ۵ ارائه بدهد. لذا به مقدمات، اهداف، شرح و اتفاقات مهم آن می‌پردازد. جالب است که در قبل از شروع عملیات کربلای ۵ نیز گزارش‌هایی از لورفتن عملیات مخابره شده بود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «قرار بود عملیات ساعت دو بامداد آغاز شود، اما خبرهایی رسید که نشان می‌داد عملیات فاش شده است. بنابراین با قرائت رمز عملیات، دستور شروع عملیات در ساعت ۱:۳۵ بامداد ۱۹ دی‌ماه صادر شد. با شروع عملیات مشخص شد برخلاف تصور فرماندهان خودی دشمن نسبت به هیچ یک از محورهای عملیاتی به طور کامل هوشیار نبوده و تنها به محور پنج ضلعی توجه بیشتری داشته است.»

■ **روز شمار و آمارها**

چون وظیفه کتاب شرح کلی کربلای ۵ است، از همان فصول ابتدایی، روز به روز وقایع مهم عملیات آورده می‌شود. کتاب حجم زیادی ندارد، اما در همین صفحات کم (۸۵ صفحه) خواننده می‌تواند شمایی کلی از کربلای ۵ و حتی آمارهای موجود در آن را به دست آورد: «نیروهای شرکت‌کننده در عملیات به این ترتیب است: ۲۴ یگان سپاه شامل حدود ۳۰ هزار پاسدار، ۶ هزار و ۵۰۰ سرباز، ۱۲۰ هزار بسیجی در مجموع ۲۱۵ هزار نفر است...»

■ **بازتاب کربلای ۵**

بازتاب عملیات در رسانه‌های خارجی از جمله بخش‌های جذاب این کتاب است، چراکه می‌توانیم کربلای ۵ را از زاویه دید کشورهای دیگر به نظاره بنشینیم. البته اشاره به بازتاب‌های عملیات نیز از دیگر ویژگی‌هایی است که عموماً کتاب‌های منتشر شده از سوی مرکز مطالعات جنگ از آن بهره می‌برند. در پایان نگاهی به بخشی از کتاب می‌اندازیم: «خبرنگار روزنامه تایمز از مشاهدات خود می‌نویسد: به اتفاق دو خبرنگار از تمامی مناطق عملیاتی به ویژه جزیره بوارین دیدن کردیم. اینک تأیید می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران پیروزی مهمی در شرق بصره به دست آورده که نشان‌دهنده وقوع عملیات سرنوشت‌ساز در منطقه است. رزمندگان ایرانی در نقاط مختلف تا چهار خط دفاعی عراق را درهم شکسته‌اند که در این خطوط سیم‌های خاردار، میدان مین و مناطق به آب بسته شده مشهود بود.»

> بازتاب عملیات در رسانه‌های خارجی از جمله بخش‌های جذاب این کتاب است، چراکه می‌توانیم کربلای ۵ را از زاویه دید کشورهای دیگر به نظاره بنشینیم. البته اشاره به بازتاب‌های عملیات نیز از دیگر ویژگی‌هایی است که عموماً کتاب‌های منتشر شده از سوی مرکز مطالعات جنگ از آن بهره می‌برند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۹۴۲

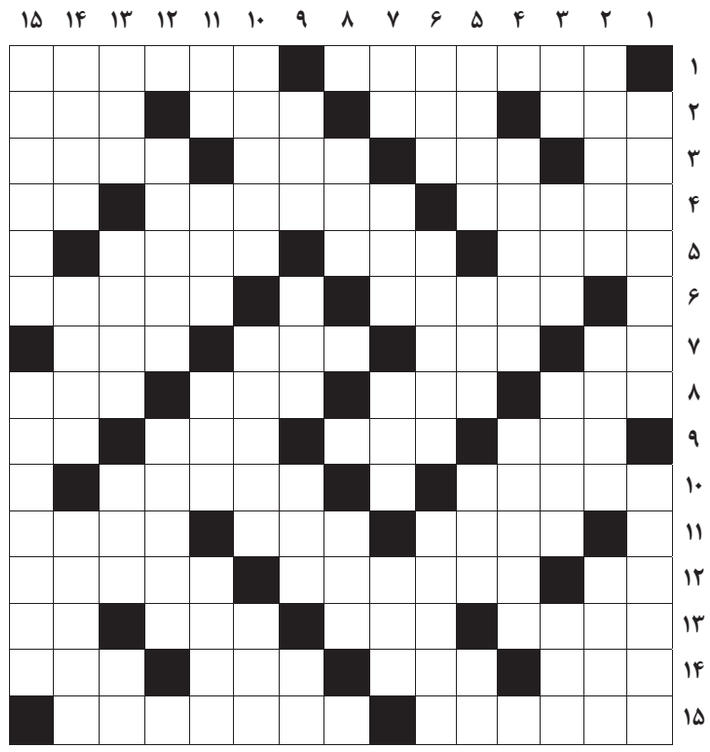

از راست به چپ

■ ۱- جزء اصلی فیزیک اتم و نوعی فیزیک- از تیم‌های همگروه ایران در جام جهانی ۲۰۱۴ ■ ۲- گرد و غبار- نوعی آچار- پسوند نگهدارنده- گستاخ و بی‌باک ■ ۳- جفت ماده- فهرست گزینه‌ها در رایانه- زادگاه حضرت ابراهیم- دایر و برقرار ■ ۴- پادشاه مادها که همدان را پایتخت خود گزید- از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد- فرو رفتگی ظرف بر اثر ضربه ■ ۵- استاندار قدیمی- کشتی جنگی- رد و اثر ■ ۶- زبانی که شکر است- سرزمین حسن صباح در دوران فرمانروایی‌اش ■ ۷- مغرور- همراه لهو می‌آید- سنگ قبر- در بازی می‌گیرند ■ ۸- از اشکال هندسی- درخت همیشه لرزان- زادگاه پدر شعر نو- همراه زیبا از فنون کشتی است ■ ۹- تپش رگ- نیمسال تحصیلی- مظهر سرعت- گشوده ■ ۱۰- قنات- از کشورهای صنعتی اروپا ■ ۱۱- همواره و همیشه- شش- خالق ارژنگ ■ ۱۲- حرف همراهی- شهر زادگاه شهید مطهری- لوچ ■ ۱۳- گیاه- ایتالیای باستان- زادگاه ناپلئون- پسوند شباهت ■ ۱۴- سحر باران مغولان- شهری در سیستان و بلوچستان- آزمایش لباس- قطع سینمایی ■ ۱۵- سلسله پیشدادیان را بنیان گذاشت- بزرگراهی در تهران

از بالا به پایین

■ ۱- از میوه‌های جالیزی- گازی که از سیالات تنفسی است ■ ۲- بزرگی- جوان- همیشگی ■ ۳- گشوده- یک حرف و هزار عدد- خط‌کش- غزال ■ ۴- پیمانه- مهمانی ■ ۵- دانش نوینی که انقلابی در صنعت و تکنولوژی به وجود آورده است- هراس- صدای نازک- انکرالاصوات ■ ۶- منطقه‌ای در شرق تهران- تئوری علمی انیشتین- مالی که از مرده برای ورثه باقی می‌ماند ■ ۷- درخت زبان گنجشک- زندان مسعود سعد سلمان- فارسی اصیل- حیوان آزمایشگاهی ■ ۸- انعکاس صدا- اهلی و دست‌آموز ■ ۹- طلایی رنگ- پیام غیبی- ضمیر اشاره به نزدیک- شکل و قیافه ■ ۱۰- از درختان سایه گستر- برگرداندن گفتار فیلم به زبان دیگر- کرایه خانه ■ ۱۱- پول ژاپن- فلسفه ارسطو- حیا و آزرم- سلام ■ ۱۲- ساکنان محل- فرهنگ لغت ■ ۱۳- ماه قمری- ستون دین- دندان نیش- ویتامین جدولی ■ ۱۴- زین و برگ اسب- پایتخت لهستان- ماه هفتم از ماه‌های سریانی ■ ۱۵- ترکیب شیمیایی حاوی مولکول آب- اداره آگاهی سابق

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹			۲	۶		۸		۵
۳								
				۷	۹			۲
	۹	۵						
	۴		۹		۲			
						۶	۴	
			۷	۵	۸			
						۵	۶	
	۲	۸						

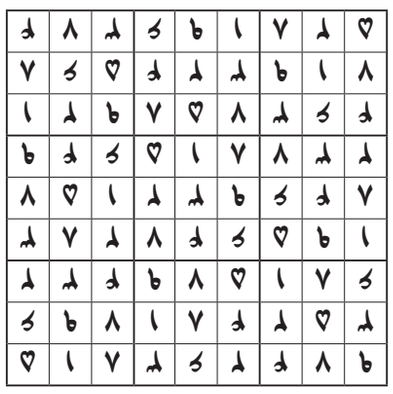

جدول کلمات متقاطع
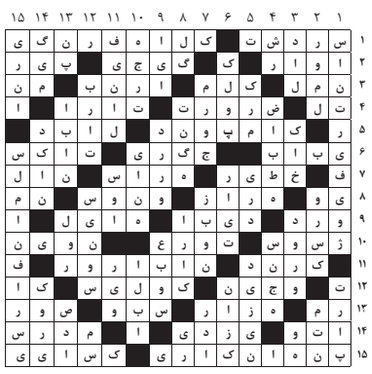
پاسخ جدول شماره ۶۹۴۱